

ارتش متجاوز

رژیم صدام در هر حال باید به مرزهای عراق رانده شود

آقای بنی صدر، رئیس جمهور و فرمانده کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در ماهیبه اخیر خود مجدداً انگشت تأکید بر روی این مطلب نهاده، که هیچگونه مذاکره و مصالحه ای با عراق، قبل از راندن ارتش متجاوز رژیم صدام به مرزهای عراق، یعنی در شرایط فشار و تجاوز نظامی پذیرفتنی نیست. این موضعگیری درست است که از جانب جمهوری اسلامی ایران اتخاذ شده است. معلوم است که داور صده صدام، به خاطر اختلاف نظر در اجرای قرارداد ۱۹۷۵، بلکه فقط بهانه آن و به دست کشیدن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به تحریک و تشویق آمریکا، بر کشور ما با حمله نظامی آغاز کرده و اگر امروز قبول اجرای قرارداد مذکور را شرط بازگشت به مرزهای عراق و بیرون بردن نیروهای خود از ایران قلمداد میکند، فقط باین دلیل است که در رسیدن به هدف چنانکارانه خود از لحاظ سیاسی بکسی شکست خورده و از لحاظ نظامی نیز متوجه شده است که چنین شکست تعیین نخواهد داشت. این واقعیت است. تازه اگر این حقیقت را نادیده بگیریم و هوی صدام را درباره قرارداد ۱۹۷۵ بهانه، بلکه سبب مناقشه و جنگ بنذاریم، در اینصورت نیز صدام مسئله را وارونه مطرح کرده و بدین وسیله اصل مذاکره را رد کرده است. او میگوید اول قرارداد را قبول و اجرا کنید، تا خاک ایران را تخلیه کنم و میگویند خاکی ایران را بکشید، تا به مرزهای عراق برسد. این یعنی رژیم صدام «داوطلبانه» به هم قدرت بیشتری کسب میکند. تا زمانی که آن فشار سیاسی به نتیجه عملی نرسیده، یعنی رژیم صدام «داوطلبانه» به هم قدرت بیشتری کسب میکند. تا زمانی که آن فشار سیاسی به نتیجه عملی نرسیده، یعنی رژیم صدام «داوطلبانه» به هم قدرت بیشتری کسب میکند. تا زمانی که آن فشار سیاسی به نتیجه عملی نرسیده، یعنی رژیم صدام «داوطلبانه» به هم قدرت بیشتری کسب میکند.

نه تسلیم نه سازش، نبرد با امریکا

تحلیلی از شرایط چهار گانه تحویل جاسوسان امریکایی

صفحه ۴

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۷۰، پنجشنبه ۲۲ آبان ۱۳۵۹، مطابق با ۲۴ فورم ۱۴۰۱، بهای ۱۵۰ ریال

ریگان هم مانند کارتر هیچ غلطی نمی تواند بکند

در گزارز تبلیغاتی بین کارتر و ریگان، «سابقه» بر سر این بود که کدامیک را خاستگوتر، انعطاف ناپذیرتر، متجاوزتر، خشن تر، زورگوتر و جنگ طلب تر است. ریگان گوی سبقت را در دو، باین دلیل که خصوصیات و سوابق او «بهتر» از رقیب بود. پانزده سال سابقه سیاسی دیگری نیز که فراز است با او داشته. اجرائی اراده انحصارات را بر عهده گرفته، افرادی مسته نظیر تهری چکسون معروف - طرفدار سر سخت اعمال سیاست از سوی صهیونیست و آتشده دشمن بیمار - گروه شوروی و مسلح، خصم دیوانه استقلال خلیج و یا ژنرال الکساندر هیک - فرمانده «صفت» فائو، که نصف پسه «صفت» چکسون است.

پس احتمال قوی اینست که با روی کار آمدن ریگان، امریکایی سیاست رو به خستندگی بیشتری از دنبال کند. ولی آیا سیاست خشن تر، به معنای توانایی بیشتر است؟ نه! بقیه در صفحه ۴

هدف امپریالیسم آمریکا از تشدید حضور نظامی در آبهای ساحلی ایران، براندازی جمهوری اسلامی ایران است

از آغاز جنگ راهزانه رژیم صدام کثرتی علیه کشور مسوا امپریالیسم آمریکا به حضور نظامی خود در آبهای ساحلی جنوب ایران افزوده است. به این حضور که بلاواسطه پس از پیروزی انقلاب صدام پالیسی ترو خلیج ایران آغاز گردیده، در دو هفته اخیر، یعنی پنجشنبه ششمین هفته ای که از تجاوز رژیم چنانکار صدام به ایران می گذرد، شدت خاصی داده شده است. ناگفته نماند که هدف اصلی حضور نظامی آمریکا در منطقه، بخصوص بحر عمان و خلیج فارس، یعنی در آبهای مرزی ایران، و تشدید این حضور، تشویق و تشجیع رژیم یعنی عراق به ادامه جنگ علیه کشور ما، پاره - برداری از این تجاوز و آمادگی برای توطئه های خطرناک تری است، که باید درباره آن سخن گفت. اما قول آن که به تشریح مفصلتر هدفهای امریکا از حضور نظامی در منطقه بهر تازیم، شتاب دولت امریکا در تقویت نیروهای نظامی در آبهای ساحلی جنوب ایران را در دو هفته اخیر، یعنی پنجشنبه ششمین هفته جنگ رژیم صدام علیه ایران از نظر بگذرانیم.

مقامات مسئول دولت امریکا، که بویژه در روزهای قبل از انتخابات ریاست جمهوری، با روشن شدن اقیانوس جنگ بسود

ایران دریا کارانه امدای چابداری کشور ما را نام عنوان کرده و به ظاهر برای حفظ تمامیت ارضی ایران اشک تصاح می ریخته، در جریان دو هفته اخیر جنگ به عملیات زیرین، که دلالت بر روشنی پرشتاب پالیسی ترو نظامی خود در منطقه است، مبادرت ورزیده اند.

۳۰ سپتامبر، سخنکوی وزارت دفاع امریکا آغاز مانورهای مشترک نیروهای دریایی و هوایی امریکا و انگلیس را در بحر عمان در نزدیکی سواحل ایران اعلام داشت. در این مانور دو هفته ای که تا ۱۳ آبان ۵۹، یعنی روز انتخابات ریاست جمهوری در امریکا ادامه داشت، ۶۵ تانکر جنگی، منجمد در ناو هواپیمابر امریکائی «میدیوس» و آیزنهاره، به همراه ۸۰ فروند هواپیما جنگی و هزاران نیروی نظامی دریایی و هوایی شرکت داشتند.

پنجست یادآور شویم که این بزرگترین و بی سابقه ترین مانور نظامی دریایی - هوایی بود که تاکنون در این منطقه صورت گرفته است. در منطقه ای که این مانور برگزار شده، دولت امریکا - پالیسی ترو کردگی امریکا - بیش از ۶۰ سال جنگی امریکائی دادند. گذشته از نواحی جنگی امریکائی و انگلیسی، ناوگان نظامی دریایی فرانسه و استرالیا نیز به این منطقه اعزام شدند.

مانور دریایی - هوایی امریکائی در آبهای ساحلی کشور ما را نام عنوان کرده و به ظاهر برای حفظ تمامیت ارضی ایران اشک تصاح می ریخته، در جریان دو هفته اخیر جنگ به عملیات زیرین، که دلالت بر روشنی پرشتاب پالیسی ترو نظامی خود در منطقه است، مبادرت ورزیده اند.

۳۰ سپتامبر، سخنکوی وزارت دفاع امریکا آغاز مانورهای مشترک نیروهای دریایی و هوایی امریکا و انگلیس را در بحر عمان در نزدیکی سواحل ایران اعلام داشت. در این مانور دو هفته ای که تا ۱۳ آبان ۵۹، یعنی روز انتخابات ریاست جمهوری در امریکا ادامه داشت، ۶۵ تانکر جنگی، منجمد در ناو هواپیمابر امریکائی «میدیوس» و آیزنهاره، به همراه ۸۰ فروند هواپیما جنگی و هزاران نیروی نظامی دریایی و هوایی شرکت داشتند.

پنجست یادآور شویم که این بزرگترین و بی سابقه ترین مانور نظامی دریایی - هوایی بود که تاکنون در این منطقه صورت گرفته است. در منطقه ای که این مانور برگزار شده، دولت امریکا - پالیسی ترو کردگی امریکا - بیش از ۶۰ سال جنگی امریکائی دادند. گذشته از نواحی جنگی امریکائی و انگلیسی، ناوگان نظامی دریایی فرانسه و استرالیا نیز به این منطقه اعزام شدند.

به امام خمینی صمیمانه تسلیمت میگوئیم

د رگدشت همشیره مکره امام خمینی را به حضور رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران صمیمانه تسلیمت میگوئیم.

نه، این قافله را سر باز ایستادن نیست...

رفیق شهید اصغر بادفره: جای توده ای ها در صف اول انقلاب است



خاموش شد و برادر بزرگتر سر بر سر او را بمیده گرفت. رفیق شهید در آبادان دینلم طبعی گرفت، و از آنجا که به ورزش کشتی و مظهر فرمان آن قضی عشق سرور زده، در دوران تحصیل دوبار قسمرمان آموزشگاههای آبادان و یکه بار قسمرمان آموزشگاههای استان خوزستان شد.

وقتی شمله های انقلاب بزرگ ایران در گرفت، رفیق اصغر، چون همه فرزندان رقیب و کار به صف اول سنگرهای انقلاب رفت و در آنجا بود که با رزمندگان آشنا شد که در آتش و خون می غریدند و هستی خویش را بی حسابا نثار روح چار دانی انقلاب می کردند. چنان رفیق اصغر و آن چنانهای شیشه پیونده خسته و بقیه در صفحه ۷

نه، این قافله را سر باز ایستادن نیست... در سنگرهای دزم خونین با امریکایی ها، توده ای ها همه چش خویشتن را نثار انقلاب می کنند و به قافله بی پایان شهدای راه استقلال و آزادی ایران می پیوندند. نسل نویسن توده ای اکنون در سنگرها میراث خویش حزب طبقه کارگر ایران را تداوم می بخشند و در راه پیروزی خلق از قطرات خون خویش شقایق می نشاند.

یکی از آخرین دهرمان این قافله خون، این قافله که شقایق و آزادی به قله تاریخ می رسد، رفیق شهید غلام اصغر بادفره است. ۱۹۳۸ در احمدآباد، یکی از سالهای فقیرترین آبادان به دنیا آمد. در سرزمین تفرده

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

نه تسلیم نه سازش، نبرد با آمریکا

تحلیلی از شرایط چهارگانه تحویل جاسوسان آمریکایی

بیکار نیست، بلکه سرآغاز نبردی است که طی آن آمریکا باید فرمان انقلاب کردن نبرد و در برابر نیروی نبرد پیگیر مردم ما، که مرحله تازه ای از آن آغاز می شود، در برابر هست و هشباری زمامداران مشغول و متعهد، کلیه تصمیمات اقتصادی و مالی خود را علیه کشور ما اتخاذ و ابطال نماید. شرط سوم نیز صحنه دیگر نبردی است که اکنون بین ما و دشمن اصلی ما کشوده می شود و اعلام آن به سازش و تسلیم بلکه علامت آغاز همواردی جدی در پیکی از حاسن ترسین صحنه ها به خاطر بوی کردن سلطه اقتصادی آمریکا است. این نبرد تازه، تازه آغاز می شود. مبارزه با شیطان بزرگ شکل نوین و عمیق تری می یابد و جهت های مشخص تر و ملموس تر و هدف های معین تر و دقیق تر پیدا می کند. طبق شرط سوم هرگونه دعای آمریکا و انحصارات امپریالیستی آن، به هر صورت به هر عنوان، از نظر اقتصادی، مالی، جزایی، حقوقی و غیره علیه ایران باطل و ملغی اعلام می شود. حتی اگر رای دادگاه های آمریکا علیه ما باشد، دولت آمریکا باید تعهد کند و ضامن شود که با سخنگوی آن باشد و فراتر و خسارت احتمالی را خود بپردازد. زیرا هر فراموشی که متصور باشد و هر خسارتی که پدید آید، نتیجه سیاست و روش خود امپریالیسم آمریکا است. لژی است که باید پای آن بنشیند، زیرا خود اوست که خیزه خیزه بوده و ده ها سال کشور ما را چاییده و مردم ما را استثمار کرده و به استعمار کثافته است. اما حالا دیگر دوران آن کرگ داستان لافوتن، که با لاتراجوی آبی می خورد و گوشت را به گل آلود کردن با شتم می گرد، بسر رسیده، دیگر دلیل اموی، ابوی دلیل نیست.

ما باید به آمریکا بقبولانیم و بر او تحویل کنیم که اموال شاه ملعون، مال مردم ایران است و حق ما است که آنها را با زین بگیریم. شاه ملعون و سرکوبی چون جرای آمریکا و فریک فارت ها و سرکوبی های آن بود و هر چه ما کشیده ایم از آمریکا و بدست تریک و همدست و عامل او شاه بوده است. و هر چه شاه ملعون و خانواده اش مغفور او از ایران به یغما بیرون برده اند، مال مردم ایران است. ما باید زین فشار نبردی همیازانه و پیگیر به آمریکا تحویل کنیم و بقبولانیم که اموال دولت ایران او نیست. مال ما است. پس هر اقدامی که در ایران را، در این زمینه آمریکا باید نادان بشمارد و به رسمیت بشناسد و رئیس جمهور آمریکا باید مجبور شود که حکم صادر کند که آن اموال را شناسایی و توقیف کند و اقدامات لازم حقوقی برای انتقال آنها به ایران به عمل آید، همه اینها در شرط چهارم مجلس خورا گنجانیده شده است. برای آمریکا ممکن است تحمل این شرط هم مثل سایر شروط، سخت باشد، ولی مگر برای ملت ما سخت نبود که نیم قرن زیر زنجیر امارت این شاهان و شاهنشینان به سربرد؟ مگر برای ما سخت نیست که ناظر به بار رفتن مال مردم درمید املی همه فارت ها و فشارها باشیم؟ در این مورد هم در برابر ما نبردی قرار دارد دشوار و پیچیده، که به نیروی مردم و با قدرت و کاردانی مسئولان امور، که در برابر مردم و انقلاب مقصودند، باید در آن نیز سر دشمن خود فائق آئیم.

آن توانند بود.
ما باید به آمریکا بقبولانیم که، مطابق شرط اول ما، تعهد و تضمین کند که هیچگونه دخالتی، نه مستقیم و نه غیر مستقیم، چه سیاسی و نظامی، در امور جمهوری اسلامی ایران نکند، از آنجا که در گذشته هوا را با سنگونه ها کشته اند. اما این واقعیت در شرط اول گفته شده است. تحمیل این شرط خود یک حربه بزرگ سرد سیاسی با سر کرده امپریالیسم جهانی است. در این ماحقاسی از پایان مبارزه و سرنگاری نیست. ما تازه در آغاز قبولانیدن این شرط، آنهم به نیروی و در نتیجه مبارزه ای بی مان و آشتی با دشمن به آمریکا می بینیم. شوقیت ما چه درس بزرگی برای هر خلقهای مستضعف جهان خواهد بود! چه مبارزه الهام بخشی را برای هر زینندگان مدید و خدای امپریالیست و پیوندگان راه خلق - خواهد طلبید!

ما باید به آمریکا بقبولانیم که تمام سرمایه ها و اموال و دارایی های ایران را، که مسدود و توقیف نموده، آزاد کند.

مغفرتی این ادعا می کنند که این شرط ویژه ای نیست و انسداد اموال ایران توسط فرما ۲۳ آبان ۵۸ کا تر، خود دنیا له و بیاتنگر "گروگانگیری" بسود و بنابر این پس از آزادی "گروگان ها"، اتوماتیک

واقعیت این است که مسئله "گروگانها"، طی یکسال اخیر به مسئله گرهی در روابط ایران و آمریکا، یعنی رابطه بین انقلاب ایران و امپریالیسم آمریکا بدل شده بود. و به همین جهت هرگونه طرح و بحث مسئله، و منجمله طرح و بحث چگونگی حل آن، با آزادی جاسوسانی که در جاسوسخانه در حال جاسوسی دستگیر شده بودند، مستقیماً به مآبیت روابط بین انقلاب ایران و دشمن اصلی و حوسی آن امپریالیسم آمریکا مربوط می شود. این امری بدیهی و شای از غفلت دوری است. نگارنده روندهای اجتماع است، و به همین جهت هم، اکنون که مجلس شورای اسلامی، به دنبال رهنمودهای امام خمینی و از جانب مردم ایران، شرایط تحویل جاسوسان یا "آزادی گروگان ها" را به تصویب رسانده، خود این شرایط و غفلت ها و معنا و مفهوم آنها، یکسال پس از تحویل جاسوسخانه، پیدا می کند و به ویژه راهی که در آینده می کشاید و دورنمایی که در برابر روابط ایران و آمریکا بازمی کشد، از مهم ترین موضوعات مسود توجه مردم ما است. این هم البته امری بدیهی است و بحث بیزار مون آن و شگافتن مفهوم آن و نگارشی نسبت به سمت تکامل آن، نشانی از بیاداری و موا رکت مردم و خواست صراحت آنها در جهت گیری ضد امپریالیستی است.

در ارزیابی شرایط چهارگانه آزادی گروگانها، انواع نظریات را میتوان شنید. بعضی ها از "سردستی عنوانه" و بی منطق روحانی که به قدرت رسیده اند، ولی سیاستمداری نمی آید، صحبت می کنند. مدعی دیگری می گویند "همراهی ایران نس به تسلیم داده اند و دیگر از بار زین تکب طلبا به معنای شده اند."

در زیر بررسی از این ارزیابی ها، گاه مقاصد خطرناک فدا انقلابی و خرابکاری رانه نهفته است و گاه زمینه چینی برای تهیه یک سرمایه سیاسی از جانب ورکشگانی که به تصمیم سیاست سازشکارانه و نزدیک گام به گام خود با آمریکا، از مردم جدا و طرد شده اند، با به خیال خویش، با سوا استفاده از جو ضد آمریکا می خواهند یا "چپ نماسی" آبروی دست و پا کنند. از آنها باید بگریزد، ولی چه سکه عدم توجه به مآبیت و روی داده ها، فریب خوردگی، ظاهریتی، تفاوت سطحی و شتاب زده، مطلق کردن مسئله "گروگانها" و یک پستی کردن آن و عواقب آن، به علت تحلیل نادرست و ارزیابی غلطی از تصمیم مجلس شورای اسلامی ایران باشد.

به نظر ما، شرایطی که مجلس شورای اسلامی تعیین کرد (و ما تمام فرمول بندی دقیق آن را برای اطلاع خوانندگان و قضاوت، با وقوف به امر، در شماره ۲۶۶ نامه مردم چاپ کردیم) نه عناد بلکه شرایطی است و نه تسلیم طلبی یا سازشکارانه، بلکه شرایطی است که در واقع کنونی و با محتوای معقول و در عین حال مبارزه جویانه خود، می تواند در درجه اول به منای باز کردن جبهه های جدید و متعادل با شرایط تازه نبرد علیه امپریالیسم آمریکا تلقی شود. آری، اعلام شرایط تحویل جاسوسان و پایان کار "گروگانگیری"، اعلام ممانعه و تسلیم و ملاست سازش نیست، بلکه شروع مرحله نوینی از رویارویی انقلاب ایران و همه مردم انقلابی و هم زمان کشور ما و زمامداران متعهد و مسئول جمهوری اسلامی ایران با امپریالیسم آمریکا و توطئه های مکرر سیاسی و اقتصادی و نظامی و دیپلماتیک آن است.



در برابر انقلاب ما، با این چهار شرط، چهار صحنه نبرد وسیع و مهم علیه امپریالیسم آمریکا کشوده می شود، که ما باید خود را برای شرکت در آن و مقابله با آمریکا و دشمن آن از نظر سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و حقوقی کاملاً آماده کنیم و شیطان بزرگ را در یکایک این عرصه ها شکست دهیم. به نظر ما، صحبت بر سر آن نیست که طبق یک "توافق قبلی" و "ساخت و یاخت پنهانی" - آنچنان که ادعا می شود، بپروژه از جانب محافل ساخت و یاخت کن و سابقه دار در توافق، شنیده می شود - بنا بر روی در حال اجراء است. ایران که هرگز آمریکا را سه طایفه نکرده بود، طبق این ادعا، چهار شرط را بر سر سفره، مقد به گوش می ماند و طرف هم، بعد از کمی استماع و تناز، بلکه را می گوید و وصلت قدیمی، که به ظاهر از هم جدا شده بود، دوباره برقرار می گردد و روز از نو روزی از نو، بازمه آن همان آن خواهد بود و گاه همان گاه سه منتخبی زده دره و با خواب قوسبایی. این ادعا، به نظر ما، داستان خواب شتر است و پینه دانه.

برعکس، به نظر ما، صحبت از این است که در معاف همی از ایران انقلابی با امپریالیسم آمریکا آمریکا دارد، اینک چهار شرط به میان آورده شده، که برای به عکس نشانیدن آنها، برای قبولانیدن آنها به طرف و برای عملی ساختن یکایک آنها، در تمام جزئیاتی، باید زرمیه، با چنگ و دندان هم زرمید و بیبه بسیاری توطئه ها و خرابکاری ها، محرومیت ها و کمبودها و نالوسها و تزویرها راه تن ما لید. ما در آغاز نبرد نبرد تازه برای تحویل شرایط هشتم، مجلس شورای اسلامی ایران - شرایط معوقلی را - به تسلیم از طرف مردم ایران - عرضه داشته و اینک بر مردم میار از ایران و نیز مسئولان امر و زمامداران کفر است که آمریکا را نا قزیر کنند که تسلیم این شرایط شود و با قبول آنها متحمل شکست تازه ای از انقلاب ایران گردد.

قبول این شرایط برای امپریالیسم ها و جها بخوار، مگر و فدا از آمریکا را نشانی نیست، او به راحتی تسلیم نخواهد شد، ما باید قدرتمند - ترین دولت امپریالیستی را در برابر انقلاب بزرگ خلغی برخاسته، به زانو در آوریم. این خود مرحله نوینی از تعمیق انقلاب ایران در عمده ترین وجوه

این نبرد، که دنیا له همان مرحله تازه، انقلاب ما - انقلابی بزرگتر از اول - علیه امپریالیسم آمریکا است، به همان اندازه، بلکه بیشتر، مبارکت توده های بیدار مردم و اتحاد و هشباری آنها، اتحاد کلیه نیروها و درایت و واقع بینی و آینه نگری و پیگیری رهبران کشور و سکا نداداران امور مملکتی را طلب می کند.

ما باید آمریکا را واداریم تا در این مرحله جدید تسلیم شود.

پس شرایط تحویل جاسوسان ایدا به معنای سازش و تسلیم نیست. البته یک حکومت سازنگار و یک عده افراد ساخت و یاخت بی طرفدار و همکار با آمریکا، و موافق با ادا به وابستگی می توانستند آزادی "گروگانها" را به گام اول در سازش تسلیم و سازش بدل سازند و در جوی ضد خلقی آن را دست و پز بد و بیستانیهای غیر اصولی قرار دهند. و به بهیسی استقلال و آزادی با ذمتن اصلی کناریا بند و جمهوری اسلامی ایران را از محتوی انقلابی و خدای امپریالیستی و خلقی آن تهی سازند، ولی این چنین وضعی در کشور ما موجود نیست. برعکس، عوامل و اسباب جنبشی سازی برای نبرد یک ساله اخیر، که "گروگانگیری" علامت آغاز آن و تعمیق انقلاب بود، به میزان زیادی از زمین برده شده است. طبقات و قشر های اجتماعی، که می توانستند و می توانند مجری و عامل چنان سیاست رونی گردند، به میزان قابل ملاحظه ای از سگان - های اصلی کورداری را رسیده، و با در حال رانده شدن هستند و بیش از پیش، از میان طلق طرد و منزوی شده و می خیزند. به علاوه، سیاستهای توطئه - گرانه و تجاوز گرانه آمریکا و روشهای فدا رانسه و

باید به آمریکا بقبولانیم که، مطابق شرط اول ما، تعهد و تضمین کند که هیچگونه دخالتی، نه مستقیم و نه غیر مستقیم، چه سیاسی و نظامی، در امور جمهوری اسلامی ایران نکند، از آنجا که در گذشته هوا را با سنگونه ها کشته اند. اما این واقعیت در شرط اول گفته شده است. تحمیل این شرط خود یک حربه بزرگ سرد سیاسی با سر کرده امپریالیسم جهانی است. در این ماحقاسی از پایان مبارزه و سرنگاری نیست. ما تازه در آغاز قبولانیدن این شرط، آنهم به نیروی و در نتیجه مبارزه ای بی مان و آشتی با دشمن به آمریکا می بینیم. شوقیت ما چه درس بزرگی برای هر خلقهای مستضعف جهان خواهد بود! چه مبارزه الهام بخشی را برای هر زینندگان مدید و خدای امپریالیست و پیوندگان راه خلق - خواهد طلبید!

ما باید به آمریکا بقبولانیم که تمام سرمایه ها و اموال و دارایی های ایران را، که مسدود و توقیف نموده، آزاد کند.

مغفرتی این ادعا می کنند که این شرط ویژه ای نیست و انسداد اموال ایران توسط فرما ۲۳ آبان ۵۸ کا تر، خود دنیا له و بیاتنگر "گروگانگیری" بسود و بنابر این پس از آزادی "گروگان ها"، اتوماتیک

(۱) و خود به خود تلقی می شود، در حالی که این چنین نیست. در اینجا یک صحنه مبارزه اقتصادی جدی در برابر ما کشوده می شود، که باید با زهم آمریکا را در آنجا مجبور به تسلیم و عقب نشینی کنیم. در دامن بین المللی فعلا فقط از زبان رسانه های گروهی، در عده امپلیا در دلار سیرده مستقیم ایران صحبت میکنند و حاضر نیستند درباره ۸ میلیارد دیگر بلوکه شده حرفی بشنوند. اعلام این شرط، غلظه مبارزه و شنا سازشکاری نیست. ما تازه باید به نیروی مبارزهای بی مان و جدی، این پنهان را از گوش آستان به در آوریم و به آمریکا تحمیل کنیم، نه تسلیم همه سرمایه ها و اموال و دارایی بلوکه و توقیف شده ما را آزاد کند، بلکه ایران، همانطور که در شرط دوم مجلس گفته شده، باید "تواند به هر کیفیتی که بخواهد از آن استفاده کند". امپریالیسم آمریکا را وادار کردن که به تعصبات خود پیاپی ما دهد و دیگر ایداعه که کیفیت استفاده از اموال را به ماتعمیل کند، کار کوچکی نیست. کاری است که فقط نتیجه ما مبارزه پیگیر و هشباری رانه می تواند باشد. بر مردم ما و زمامداران ما است که در این مبارزه شرط دوم را هم تمام و کمال بر آمریکا تحمیل کنند. ما باید به آمریکا بقبولانیم که از این پس دوران ترک تازیهای اقتصادی او به سر آمده و باط غارت گذشته برای همیشه بر چیده شده است. شرط سوم نیز ایدا برای یک انقلابی صادق به معنای تمام شدن

قانون کار باید همه کارگران را به یکسان دربرگیرد

حقوق کارمزدی، غارت دسترنج زحمتکشان است

می خریدیم، که گرانتر تمام می شد. البته پس از تحریم اقتصادی آمریکا، این مواد زنگنه های اروپایی شرقی مانند لیبستان وارد می شود. کارفرما از رفتن ما مداخل کارگاه جلوگیری کرد و پیرامون ما هیچ ماشینی نداشت. البته کارگران را بدیدیم، که اکثرا ایستاده مشغول بکار بودند. یکی از کارگران نیز در این مورد گفت: "اینهمه ایستادن سرها، باعث پها دود شده بود و اینها بی سود می شود." کارفرما پس از اینکه می فهمید کارگاه کوچک با دو کارگر بدون حضور او، محبت کرده ایم، اظهار ناراضگی و نا راحتی می کند: "با بالا بردن واقعی می شود که با یکی از کارگران در حضور

شرایط کار روپرداخت حقوق کارگران در بسیاری از کارگاه های کوچک و بزرگ هنوز بصورت کارمزدی است و این وسیله ایست که کارفرماها هرچه بیشتر دسترنج زحمتکشان را بغارت می برند. سایر کارگران نیز میبایست با حقوق کارگران آن بصورت کارمزدی پرداخت می شود. این کارگاه دریا را چه "قوام دفتر" در میدان حنیف نژاد تهرآن قرار داده است. ساخت آن دوپست متراست و با نرسیده کارگری که دفتر در آن مشغول بکار هستند. برای آگاهی از مشکلات کارگران با تانی چند از آنها گفتگویی ننشیم. جنب کارگاه بزرگتر سما و رسانی کارگاه کوچکی است و دو نفر از کارگران در آن مشغول کار هستند. در اطراف و سایل کار قرار داده اند و دو نفر بدیده سا و رها را از کار می کنند. بنا کارگری گفتگویی کنیم که چهار رده سال است در اینجا کار می کند. وی می گوید: "بصورت کارمزدی کار می کنم. هر ماهی را که بدیده اش را بکارگری کرده ولوله و ریبه قسمتهای آنرا آماده کنیم می وینج ریا ل با بت آن دریافت می کنیم. روزهای که کارباشند، حدوده ساعت کاری کم و دوپست و پنجاه تومان در ماه درآمد. اما بسیاری از روزها کار نیست و با بملت گرفتاری و بیمه ای سرکارها فرم می شوم. پس از چهار رده سال کار حنی بکار با بت روزهای مرخصی نمی گیرم. بیمه اجتماعی هست، ولی فایده ای ندارد. همیشه برای هر دردی یک قرص گچی به ما می دهند. سود کارخانه هم به ما نمیدهند. با اینکه سما و رسانی سودا وانی برای کارفرما دارد. با بدیده ای کارباشند که نمی دهند. از حق اولاد و غیره هم در اینجا خبری نیست. حتی شرکت تعاونی نداریم و مجبوریم برخی کلبه های بیست تومان را بخریم. هر ماه همیشه چند روز بیکار هستیم. کنار این کسور تا ستانها کار کردن خیلی سخت است." کارگری دیگری که دو سال است در اینجا کار می کند، صحبت های همکارش را تأیید کرد: "می افزاید: کارگران ما سخت است. دودنشا دور گلویمان را می سوزاند. با زشتگویی هم نداریم. لاقل این دوپست بیمه اجتماعی هست، ولی من اصلا بیمه

کارگران می گویند: فلان چون دولت درگیر جنگ با عراق است، از او هیچ توفلی نداریم

خود صحبت کنیم. این کارگر محمد علی نام دارد و شش سال است در اینجا کار می کند. محمد علی می گوید: "روزی که کارباشند، حدود صد تومان کار می کنم. دودر زندهم دارم و جز حقوقی که بصورت کارمزدی هست، مزایای دیگری نداریم. نه حق اولاد، نه حق خوار و روبه و غیره. وضع این مستحقان با هر چه و مخرج است، چون سندیگا نداریم تا به حقوق ما رسیدگی کند. ما وضعیت رسمی نداریم. کارفرما هر وقت بخواد، می تواند ما را اخراج کند و با بت سابقه کار هم هیچ پولی ندهد. هیچ مرخصی رسمی نداریم. اگر کارکنیم، مزد هست و اگر حتی به حال مرگ در رخصت خواب خوابیم با شیم بکار می رود. ما به ما حلق نمی گیرد. روزانه ما عت کار می کنیم، برای اینکه لاقل پول کرایه خانه را در آوریم."

ولی با وجود این وضع و احوال این کارگران بگروه حقوقشان را برای جبهه جنگ و دفاع از زمین انقلابی اختصاص داده اند. هزاران کارگاه و چوبان کارگاه در سراسر ایران وجود دارد. هنوز قوانین ضد کارگری و طاغوتی بر آنها حکمفرماست. این مشکلات و نا راضیها تقریباً در تمام کارگاهها یکسان است. و کارگران از حقوق های حق خود چون حق اولاد، مسکن و خوار و روبه ای بهره اند. وسایل ایمنی کار در کارگاهها اصولاً وجود ندارد. و اگر باشد، بسیار ناسندک و ناچیز است و کارگران حقوق خود را بطور کارمزدی دریافت می کنند. پرداخت حقوق کارگران بطریقه کارمزدی باعث بی غارت رفتن هر چه بیشتر دسترنج آنها می شود. کارفرما بدین طریق با ماتی را که موظفانده است حقوق پرداخت کند و با درنگا بیمه ای و دیگر گرفتاریهای عمومی با بدیده، پرداخت نمی کند. با این وسیله کارگران عملاً از مرخصی سالیانه خود، کسور در قانون کار نیز بر آن تأکید شده است و حق مسلم آنهاست. محروم می شوند با بدیدارین مدت برای کارفرما کار کنند.

وظیفه مسئولین است که با تئودین قانون کار جدید، به ایستگونی مشکلات رسیدگی کنند. با بدیدار ایستگونی کارگاهها، که هزاران کارگر را در بر می گیرد، فکری اساسی کرده قانون کار را چون کارگران کارخانه ها و مراکز تولیدی بزرگ شامل حال آنها کرد. پرداخت حقوق حق کارگران، مانند حق مسکن، حق اولاد، حق خوار و روبه ای و درنگ کردن کارفرماها برای تعیین حقوق روزانه و حق استفاده از مرخصی برای مواقع ضروری، استخوان بیمه ای و گرفتاریهای عمومی و مرخصی سالیانه می تواند حدت خود را بدیدار ایستگونی مشکلات کارگران این کارگاهها بکاهد.

درد بر کارگران قهرمان شرکت صنایع دریائی استان بوشهر

شرکت صنایع دریائی بوشهر، با حدود ۲۶۰ نفر کارگر، عمده ترین شرکت تولیدی استان بوشهر است. این شرکت، با پیروزی انقلاب مدامپریالیستی و خلفی مردم ایران، از دست آمریکا ضیاع غاصب و لنگر بیرون آمد و به دست مردم ایران، این صاحبان واقعی و املی شرکت، قرار گرفت. آمریکا ضیعیهای غارتگر با رفتن بستند، اما نوکران و پادای داخلی شان هر چه توانایی داشتند به کار بستند، تا بوسیله موابل شان از ملی شدن شرکت جلوگیری به عمل آورند و شرکت را به تعطیل بکشاند. ولی مبارزات پیگیر مردم ایران در جهت تعیین انقلاب تحت رهبری ما و خمینی از یک طرف، و کوششهای خستگینا پذیر کارگران این شرکت تحت نظرواری اسلامی کارگران صنایع دریائی از طرف دیگر، امیدهای این نوکران اجنبی را به بیاس مدل گردانید و اکنون شرکت در اختیار دولت منتخب از انقلاب است. با انتخاب و معرفی یک نفر به عنوان مدیر عامل جهت اداره شرکت، با همکاری شورای اسلامی کارگران، شرکت از خطر تعطیل رها شد با فستقه است. خورا و کارگران فعالان با مدیر عامل همکاری می کنند و دستمه جمعی در جهت افزایش تولید و با راوری بیشتر می کنند.

کارگران، که سالها در زیر سلطه استعمارگران آمریکایی بسر برده اند می گویند: "ما گروه و خانواده و زندگی ما را هم از دست بدیم، حاضر نیستیم با دیگر زنجیر برگی آمریکا جهانوار را بدیدیم. ما اگر شب و روز با نان و چای سرکنیم، با لاف زده است آمریکا خون آشام را از مین کوتاه خواهیم کرد. کارگران از جنگ عادلانه مردم ایران علیه تجاوزات مدامپزید، این دستیار امپریالیسم آمریکا، پشتیبانی میکنند. تا از همان روز اول تجاوز دولت مزدور یعنی عراق تا مدگی خود را برای جانبازی و دفاع از مین انقلابی به مسئولین امور اعلام داشته اند. کارگران تأکید می کنند که باید دست متجاوزین از مین عزیز ما کوتاه کرد و ما بالاخره مدامپرا سرچاپش خواهیم نمادند. کارگران صنایع دریائی از همان روز نخست حمله هوایی رژیم مزدور و غاصب صدام حسین، با مراجعه به بسیج مستضعفین تعدادی اسلحه جهت پاسداری و حفاظت شرکت تحویل گرفتند و تاکنون شب و روز از سنگر خود پاسداری می کنند. کارگران بجای ۱۲ ساعت، در مواقع اضطراری، ۲۴ ساعت هم کار میکنند. کارگران اعلام میدارند که با تمام وقت در اختیار مسئولین جهت انجام کارهای ضروری خواهیم بود. کارگران با اینکه حدود ماه است حقوقی دریافت نکرده اند، از آغاز جنگ تاکنون بیش از هر زمان دیگر اکیبهای مختلفی تشکیل داده اند و زیر آتش توپخانه دست نشانگان شیطان بزرگ آمریکا، جهت تعمیرات به آواز خارک و بندر عباس فرستاده اند. بازده کار و فعالیت کارگران در مدت یکماه اخیر قابل تقدیر و ستایش است. با توجه به عدم پرداخت دوماه حقوق کارگران، همین کارگرنی که تا دیروز در برابر آمریکا ضیعیهای جهانوار بودند کفتی و کلاه دست به کار نمی زدند. امروز برای تحکیم رژیم جمهوری اسلامی، بدون کفتی و کلاه و لوازم ایمنی دوبرابر کار میکنند و تمام هم و غم کارگران و شوروی اسلامی منتخب آنها این روزها صرفه هکاری و همیاری بسا برادران ارتشی و پاسدار و توده های غیر نظامی استان است. کارگران میگویند: "قره به ناشی به طاغوت را کارگران زده اند و جهت کوتاه کردن دست آمریکا جنا بنگار و دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کماکان کارگران بیشتر خواهند بود."

کارخانه های آجربری کاشانی: کوره های فقر در قلب کویر داغ و شن زار!

کارخانه آجربری "نبوی" دارای دوازده کوره دستی است و تعداد سی کارگر در آنجا کار می کنند. آجر در پای کوره های سه هزار ریالی و پای هر هزار سه هزار و سیصد ریالی به نرورن می رسد. مزد کارگر قالب برن سه هزاری نیمه ریالی است. با یکی از کارگران این کارخانه به گفتگو نشستیم. دا و کارگر آتشکار کوره زخانه اهل مشهد است و چهار سال است که در نشان کار می کند. از وضع او جویا شدیم. داود سری تکان داد و گفت: "فقط هروقت کارکنم مزد می گیرم و هیچ چیز ندارم. از تعطیلی مرخصی، بیمه و تعاونی خبری نیست. اگر ده دقیقه دیورتور کار کارفرموم منشی با دداشت میکند و از مزد کم می شود و با اگر چند روزی مرخصی شوم و بخواهم به شتبا معراج دکتر و دارو بیمه خودم است، بلکه از دریافت مزد هم محروم می شوم. همین چند روز پیش مرخصی شدم و به سه بیماستان شهر مراجعه کردم. دکتر نفعای میمدا و گفت باید تقویت کنی. آخر کجاست آن حقوقی که ما بنوا کنیم خود را تقویت کنیم، غذای گرم بخوریم؟ اگر بخواهیم خود را تقویت کنیم، آخر هفته دیگر چیزی برایمان نمی ماند. غذای ما اغلب آبگوشت و یا شنگه است." درباره وضع مسکن او پرسیدیم. گفت: "زستان علاوه بر سردی هوا، آب باران از درودنیوار آتاقسان می ریزد و تمام زندگی ما را بهم می رزند. داود در مورد بیمه گفت: "هروقت صحبتی از بیمه می شود، ارباب میگویند: اگر میخواهی بیمه

شوی، از اینجا باید بروی، نه همین جهت ما مجبوریم از بیمه شدن صرف نظر کنیم. او در ادامه سخنان گفت: در اینجا بیشتر کارگران غیر سرسب هستند (یعنی از شهرهای دیگر آمده اند) و برای چند ماه با چند سال کار می کنند؛ آنها بیشتر به فکر جمع آوردی مقداری پول برای سیرکردن شکم خود و خانواده شان هستند. از او در مورد بیمه موتت پرسیدیم. متوجه شدیم که اصلا داود از آن اطلاعی ندارد. آزاد او سؤال کردیم که چه تغییراتی در زندگی تو پس از پیروزی انقلاب پدید آمده است؟ او گفت: "فقط مزد ما بالا رفته. در مقابل اجناس هم گران تر شده اند. ما برای این تغییراتی نگردیده است در مورد مزایای کارگری نسبت به سابق هیچ تغییری در وضع ما پدید نیامده است." آری، در اینجا، در لابلای این کوره های فقر در قلب کویر داغ و شن زار روان، پس از گذشت نزدیک شکره همدان، اربابان ظلم و ستم هنوز از خون کارگران تغذیه می کنند. برادرانمان، این کارگران سوخته از آتش و آفتاب هنوز چه عائقانه چشم از انقلاب بردخته اند و منتظرند که از این بی سرنوشتان و نان جبهه ما بشان در اختیار او باب نیاشد. این کارگران خوب می دانند و خوب درک می کنند که دوران استعمار و خشتناک آریامهری گذشته است و دوران رهایی انسان و گسستن زنجیرهای فقر فرا رسیده است و با این میباید میتوان بر مشکلات چیره شو سدهای فقر و بیماری و بیهواری را یکی پس از دیگری از میان برداشت. رهبر انقلاب، امام خمینی، با رها بانیان های پرده خود اعلام داشته که: "این انقلاب کوچه نشینان است نه کاخ نشینان". بجاست که مسئولین جمهوری اسلامی ایران به فکر این وارثان واقعی انقلاب باشند و نگذارند بیش از این حق این انسانهای شریف ضایع شود.

کارگران مبارز ایران! در یکدست با ابزار کار و دردست دیگر با اسلحه، از مین انقلابی دفاع کنید

اخبار دهقانی

شور مالک را از سر ما کوتاه کنید!

روستای برج ۱۶ کیلومتری جنوب "شازند" اراک واقع است. روستا حدود ۵۰۰ نفر جمعیت دارد. (۸۰ خانوار که ۱۰ خانوار آن خوش-نشین هستند.)

بزرگ مالک روستای برج، که در روستاهای اطراف نیز اراضی وسیعی دارد، در منطقه صاحب نفوذ زیادی است. یکی از اعضای شورای ده برج می‌گفت:

"عزت الله خان بیش از ۲۰ هزارهکتار زمین دارد، که بعد از انقلاب به تکلیف افتاد و فوری مقدار اراضی زمینهایش را به دهقانان فروخت. او فقط در ده ما از ۲۶ جفت زمین، ۱۲ جفت از بهترین زمینها را برای خود نگهداشت و ۲۴ جفت آنرا به اهالی فروخت و بابت هر جفت زمین ۴۵۰۰ تومان از اهالی گرفته است. عزت الله خان باغ وسیعی دارد که مویز و پرتقال و لوله کشی و دیگر تاسیسات در آن ایجاد کرده است."

اهالی روستای برج به حق انتظار دارند که هر چه زودتر هیئت هفت نفری تقسیم زمین به این منطقه رسیدگی کند.

یکی دیگر از مشکلات اهالی، بل چوبی است که روی رودخانه واقع است و زمستانها به علت طغیان رودخانه، رفت و آمد اهالی را مختل می‌کند. از دیگر مشکلات روستائیان نبودن تراکتور است. آنها انتظار دارند که در این زمینه از طریق مقامات مسئول و بویژه از سوی جهاد سازندگی به آنها کمک شود.

روستای برج، همانند دیگر روستاهای این منطقه، فاقد حمام بهداشتی و دیگر امکانات رفاهی، از جمله درمانگاه و... است. یکی از روستائیان می‌گوید:

"حمام ما اصلاً قابل استفاده نیست و از دوره احمدشاه باقی مانده است."
وی سپس ادامه می‌دهد:
"برق تل" سرخشتی"، حدود ۶ کیلومتری ما، آمده، ولی ما برق نداریم."
ولی دهقانان در این شرایط دشوار جنگ تحمیلی آمریکا، همه این محرومیتها را تحمل کرده و خواهند کرد و همه قوای خود را برای کمک به جبهه بسیج می‌کنند.
بنی الله، عضو بگوشی ده، از مشکلات ده چنین می‌گوید:

"سال پیش برف زیاد بارید و امسال محصول زیاد نداشتیم. حتی بعضی ها اصلاً چیزی نتوانستند برداشت کنند. ما می‌خواهیم که دولت وام، بذر و دیگر وسائل مورد نیازمان را در اختیارمان بگذارد."

وجود ۲۰ هزارهکتار زمین نشانه بی-عدالتی و ظلم و ستم و افری است که سالیان سال بر دهقانان زحمتکش بی‌زمین و کم‌زمین رفته است. نشانه‌ای است بر این که بزرگ مالک سنگرسال‌های متعادی شیره جان این دهقانان را نمکیده است. نشانه محرومیت بی‌حدومرز این دهقانان است. لیکن می‌بینیم که چگونه و چراست انقلاب بزرگتان در برابرانگیزان داخلی و خارجی، و هم‌اینک در برابرانگیزان رژیم صدام حسین، قدهای حلقه‌های توطئه آمریکا است، قدهای کرده‌اند و در قضا می‌گردد تا حجام قرار گرفته، تا آخرین قطره خونشان را نثار کرده‌اند. پس امر اجزای قانون اصلاحات ارضی را باید عاجل و فوری بدانیم. هیئت هفت نفری باید بعنوان یک وظیفه خطیر و بدون درنگ به اجرای این امر دست بکارد. باید در محو محرومیتها از روستا بکوشیم، و همچنان که روستائیان خود می‌گویند و به حق هم می‌گویند باید برای کارخان تراکتور، بذر، کود و دیگر وسائل و نیازمکانات رفاهی را مهیا ساخت.

پیام به مردم روستائین زاگرس دلاوران غرب کشور!

پاسداران کبیر کوه، دهقانان صیمره و خرّم آباد، رزم آوران دلیر لور، کردان پشتکوه و کورمانشاهان!

های شما در مراتع سبز خواهند چرید و شما در زمینهای متملق بغودتان سرگرم کار پرشکوه و پر پرکت خود خواهید شد.

فراموش نکنید که زندگی نیکبخت بار، میوه تلخ حاکمیت امپریالیسم غارتگر جهانی، پسر گردگی آمریکا، و رژیم فاسد و وابسته به آن است.

از یاد نبردید ظلمی که به شما از طرف نوکران ایرانی استعمارگران، از شاه ملعون و دولت او گرفته، تا فئودالها و خانها شده، گاهی به مراتب از هجوم اقوام خارجی ستمگین تر بوده است. امروز که

انقلاب ایران سلطنت منحوس شاه ملعون را از میان برداشته است و بر پیکر وابستگان به او لورزه انداخته، پیاخیزید تا جلو هجوم آمریکا و صدام حسین را نیز بگیریم.

زاگرس، ای سرزمین دلاوران شکست ناپذیر، ای دژ پاسدار استقلال ایران و سپه انقلابیون حق طلب!

به همت فرزندان دلیر خود در مقابل هجوم آمریکای جهانخوار مقاومت کن! جلوی تجاوز صدام خائن را بگیر! کوهستانها، تنگها و گردنه‌ها را به سنگهای شکست ناپذیر تبدیل کن! از انقلاب ایران و از آینده روشن کشور و خانوادهات با تمام وجود، با تمام نیرو پاسداری کن!

ای زنان دلاور مناطق زاگرس! زنان و دختران کوهپایه نشین! در دهکده‌ها و زیر سیاه چادرها، هر کجا هستید، آمنگ نبرد را ساز کنید! با قدرت و با پانگ بلند بگوئید که شما نیز آمریکای جهانخوار را شکست خواهید داد.

چنانکه مردم ویتنام شکست دادند، شما پس صدام‌های خبیث پیروز خواهید شد، چنانکه بر آریامسر ملعون چیره شدید.

مردم روستائین زاگرس، پاسداران دلیر کوهستانها، دلاوران غرب کشور!

شما پیروز خواهید شد، زیرا حق یا شماس، متحد باشیم، با همه وسائل و امکانات، هر یک در سنگر خود و مطابق با مقدرات خود بر زمین، تا پیروز شویم.

جمهوری اسلامی ایران را تحکیم کنیم و انقلاب را به پیش ببریم. تنگ و نغرت بر صدام حسین و بر آمریکای جهانخوار!

سپاه پاسداران را عملی کنید. با هر وسیله‌ای که در دست دارید، به پاسداران انقلابی و ارتشیان دلیر کمک کنید. به ستاد بسیج مراجعه کنید و همه امکانات خود را در اختیار آن بگذارید و از سرتاسر و مزارع، از داسها و احشام، از خانه و کاشانه خود دفاع کنید. تا روزی که آخرین سرباز صدام ایران را ترک کند، بچنگیده، در سنگ و در محل کار، تا پیروز شوید. فقط پیروزی بر آمریکا و همه توطئه‌های

با هم زحمتکشان در کنار شما قرار دارند. مردم فداکار و از چنان گذشته شهرهای خوزستان و در پیشاپیش آنها کارگران قهرمان خوزستانی، پاسداران انقلابی حماسه آفرین، و سربازان و درجه داران و افسران وطن دوست ایران در کنار شما هستند.

بکشید تا وارث شایسته اجداد خود باشید، که طی قرن‌ها از مرز و بوم خود دفاع کردند. شما هم از سرزمین اجدادی خود، از میهن انقلابی خود نگهبانی کنید. تنگها و گردنه‌ها را به کورستان دشمن تبدیل کنید، همانگونه که کارگران و زحمتکشان شهرهای خوزستان کوچکها و "نیابانها" را به قتلگاه دشمن بدل کرده‌اند. شما اکنون مدافع انقلاب در اولین سنگر هستید. و ایران انقلابی یاور و پشتیبان شماس، درست است که هنوز از انقلاب بی‌بهره چندان، از نظر مطالبات حقه‌ای که شما دارید، نصیبتان نشده است، ولی از یاد نبردید که در این مدت انقلاب ما دشواریهای بی‌شمار در برابر خود داشته و با اینحال توانسته است

زنجیر ظلم و فساد استبداد را درهم شکند و بدور ریزد و زنجیر اسارت و بهره‌کشی امپریالیست‌ها را، که بر دست و پایی ما پوده، پاره کند؛ توانسته است زمینه مساعدی برای ساختن زندگی بهتر و ایرانی آزاد همین است که آمریکای جهانخوار، یا هر وسیله‌ای که در دست دارد، از داخل و خارج، به ایران انقلابی می‌تازد. این بار آمریکا به پاری دستیار خود صدام حسین به ایران تجاوز کرده است.

پس هوشیار باشید! در بسیج مستضعفین شرکت کنید. فرامین

نظامی و سیاسی و اقتصادی اوست که میتواند انقلاب ایران را استوار نگاهدارد و آنرا به شکوفائی برساند و نظامی مردمی برقرار کند، تا مردم «غرب کشور» نیز، مانند همه ایرانیان، برادر و برابر زندگی کنند و همه، از شهری و روستائی، از شرایطی که در شان یک انسان و شایسته جامعه انقلابی ماست، برخوردار شوند.

از یاد نبردید که پس از محو آثار تجاوز صدام حسین و پیروزی بر آمریکا، کودکان شما نیز به مدرسه خواهند رفت، خانواده‌های شما از رفاه و زندگی بهتری در روستا برخوردار خواهند شد، دام-



نظامی و سیاسی و اقتصادی اوست که میتواند انقلاب ایران را استوار نگاهدارد و آنرا به شکوفائی برساند و نظامی مردمی برقرار کند، تا مردم «غرب کشور» نیز، مانند همه ایرانیان، برادر و برابر زندگی کنند و همه، از شهری و روستائی، از شرایطی که در شان یک انسان و شایسته جامعه انقلابی ماست، برخوردار شوند.

از یاد نبردید که پس از محو آثار تجاوز صدام حسین و پیروزی بر آمریکا، کودکان شما نیز به مدرسه خواهند رفت، خانواده‌های شما از رفاه و زندگی بهتری در روستا برخوردار خواهند شد، دام-

نظامی و سیاسی و اقتصادی اوست که میتواند انقلاب ایران را استوار نگاهدارد و آنرا به شکوفائی برساند و نظامی مردمی برقرار کند، تا مردم «غرب کشور» نیز، مانند همه ایرانیان، برادر و برابر زندگی کنند و همه، از شهری و روستائی، از شرایطی که در شان یک انسان و شایسته جامعه انقلابی ماست، برخوردار شوند.

از یاد نبردید که پس از محو آثار تجاوز صدام حسین و پیروزی بر آمریکا، کودکان شما نیز به مدرسه خواهند رفت، خانواده‌های شما از رفاه و زندگی بهتری در روستا برخوردار خواهند شد، دام-

پیام مادر شهید قهرمان عسکر شریعت پناهی

مادر شهید قهرمان، عسکری دانش شریعت پناهی، و همچنین خواهران و برادران رفیق شهید، بیامی برای دوستان، همزمان و رفقای عسکر مرستادمان، که در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسد.

شایان ذکر است که مادر رفیق شهید عسکر، انگیزه خود را بعنوان کمک، به حزب تقدیم کرده و نوشته است:

"بسم عسکر در دامان حزب توده ایران پرورش یافت و برادران شد. این هدیه کوچک را، که یادگار عسکر بود، به حزب بزرگش تقدیم می‌کنم."

مادر شهید قهرمان، عسکری دانش شریعت پناهی، در مجلس یادبود خاوندگی به ملاقات شهید رفیق عسکر، خوشان، رفقا و دوستان وی، مبلغ ۱۵۶۰۰۰ ریال برای کمک به حزب تقدیم کرده‌اند.

مادر شهید قهرمان، عسکری دانش شریعت پناهی، در پیام خود می‌گوید:

"درد بدبره بر بزرگان امام خمینی دوستان، همزمان و رفقای عسکر، گریه نکند. سوگواری نکند. شما باید سنگ عسکر را بزرگ کنید."

مهم گریه نمی‌کنم و حاضرم برای دفاع از وطن عزیزم، انقلاب و جمهوری اسلامی برهبری امام خمینی، در سنگر پشه‌بدم بایستم.

بسم شجاع بود و در راه وطن و جمهوری اسلامی ایران شهید شد. منکه کاری نکردم، فقط یک پسر، که او هم متعلق به همه مردم انقلاب ایران بود، تقدیم انقلاب کرده‌ام.

حضرت زینب به اسارت درآمد، ولی راه برادرش را ادامه داد. ما نیز باید راه برادران و فرزندان عسکر و باغری خودمان را ادامه دهیم. باید چون زینب مبارزه کنیم تا شیطانیان و بریدهای زمان، یعنی آمریکا جنایتکار و بوکراتش چون صدام را بزانو درآوریم. جدم حسین، سید شهید، برای پیروزی حق برابرش مبارزه کرد و شهید شد و پسرمنم راه او چدرش رفت.

بله، مرگ فرزند دردناک است. ولی من ناراحت نیستم، زیرا عسکر تنها پسرمن نبود. او متعلق به همه مردم بود. من افتخار می‌کنم که بسم عسکر مرزند خلق بود، مبارز

انقلاب بزرگان گرفته است. امروز روز بزم است. روز جنگ است و روز جهاد نورعلیه ظلمت است. جوانان ایران، فرزندان این، همت کنید. سنگ عسکر و عسکر را بزرگ کنید، تا دشمن یلبد فرصت نباشد که مزار مقدس شهیدی ما را پایمال کند.

عسکر! شهید راه حق و خلق، خدا حافظ! خدا حافظ که الان فرصت نیست و باید بمقابله دشمنان و شیطانی شتافت. روزی که یوزه همه دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را به خاک بمالیم و بیروز شویم، به سرفروخت برمی‌گردیم و پیروزی خون پاک تو و همه شهید را جشن می‌گیریم.

لعنت خدا بر شیطان بزرگ آمریکا! لعنت خدا بر صدام پزید و همه صدامها، این قاتلان فرزندان شهید ما.

درجهان سرمایه‌بسیم

در سه دهه گذشته درآمد ملی کشورهای «شورای همپاری اقتصادی» از ۱٪ درصد افزایش یافت

در سه دهه اخیر درآمد ملی کشورهای شورای همپاری اقتصادی "سالانه بطور میانگین ۵/۳ درصد افزایش یافته است.

جدول زیر رشد درآمد برخی از این کشورها در این مدت نشان میدهد:

بلغارستان	۸/۱
جمهوری دموکراتیک آلمان	۶/۲
نروژ	۲/۶
رومانی	۴/۸
اتحاد شوروی	۵/۴
مجارستان	۴/۰
چکسلواکی	۲/۷

درجهان سرمایه‌داری

رکورد جدید بیکاری در کشورهای «جامعه اقتصادی اروپا»

بوجب گزارش، که چند روز پیش از سوی "اداره آمار جامعه اقتصادی اروپا" انتشار یافت، بیکاری در اواسط ناستان ۱۳۵۹، در کشورهای مذکور "جامعه" به رکورد ۶/۷ میلیون نفر رسید. بدین ترتیب ۶/۱ درصد جمعیت فعال "جامعه" اقتصادی اروپا بیکار هستند. بیکاره شایه در سال پیش ۵/۴ درصد بود.

جدول زیر افزایش بیکاری را در برخی از کشورهای جامعه از ناستان پیش تاکنون نشان میدهد.

کشور	افزایش بیکاری (درصد)
بلژیک	۱۸/۴
بریتانیا	۱۴/۲
لوگزامبورگ	۱۳/۰
هلند	۱۱/۱
جمهوری فدرال آلمان	۹/۲

پیام خواهران و برادران شهید

بیکار برای ما تنها بیکار نبود. او یک هم‌زم صمیم و یک رفیق وفادار بود.

عسکر شهید، متعلق به ما بود. ما هم متعلق به توده‌های رزمندگان ایران بود. متعلق به ما بود. عسکر قهرمان از عید بزرگترین آزادی‌های عمر خود، که همان ایثار جان پاک در راه‌های رزمندگان است، باس بلند می‌آمد. ولی وظیفه‌ای بس دشوار و

باری بس سنگین را بر دوش ما گذاشت. این وظیفه دشوار و این بار سنگین عبارت است از آمادگی برای مبارزه تا پای جان در حفاظت از دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران علیه امپریالیسم فساد، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و نوکران آن در منطقه، چون صدام - جنایتکار و همه‌صدام - امید و راه نفع دشمن

غدا ز به داخل صلف و با اتحاد و وحدت خود، روزی امید دشمن پلید را کوبد راه نفعش را به داخل صوف خود کنیم. زنده باد جمهوری اسلامی ایران برهبری امام خمینی! مرگ بر امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و نوکران کوچک و بزرگش در منطقه! یاد عسکر را گرامی می‌داریم و با شرف ادامه می‌دهیم.

اقدامات مردمی دولت زیمبابوئه برای توده‌های مستعبد

دولت زیمبابوئه، بی‌آوردن نیازهای مردم محروم و مستعبد را از اولویت برنامه خود در راه بنای یک زیمبابوئه آزاد و مستقل، جدا نماند. دهقانان محروم و مستعبد زیمبابوئه از سخنان و اقدامات نخست‌وزیر کشور، یعنی بی‌مسئله زیمبابوئه بزرگ، مالکان سئید پوست و تقسیم این زمینها در میان دهقانان بزمین و کز زمین‌شویا استقبال کردند.

در هر سخنان موافقه، کارشناسان اقتصادی دولت اعلام کردند که مشکل زمین در حال حاضر یکی از حادترین مسائلی است که باید بدون تأخیر حل شود. رژیم ضد خلقی و استعماری است - موزوروا تلاش داشت که آفریقاییان را از زمینهای حاصلخیز محروم کند هنگام استقلال زیمبابوئه، چهار میلیون سیاه‌پوست تنها ۳ میلیون هکتار زمین کشاورزی در اختیار داشتند در صورتی که چند هزار مایک سئید پوست، پنج میلیون هکتار زمین را پیش‌فروش نموده بودند و خون کشاورزان محروم و زحمتکش را می‌مکیدند.

کسک‌های سازمان حزب توده ایران در قزوین

در ادامه کسک‌های سازمان حزب توده ایران - شهرستان قزوین به مناطق جنگ زده کشور و رزمندگان جان برکف انقلاب، روز ۲۱ مهرماه، به مقدار ۱۳۵۰ کیلوگرم نقد که از سوی حزب تسوده ایران - سازمان شهرستان قزوین جمع - آوری شده بود، به دست جمع آوری ارزاق در قزوین تحویل شد.

نه تسلیم

بقیه از صفحه ۳

حمله‌گرانه آن نیز در این یک سال بسی فاش شده و انقلاب مادر همه ترین وجه خود سوجه ضد امپریالیستی - تعمیم جدی یافته است.

همه اینها مروهون اما خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران است که با درایت و قاطعیت راه را بر مروهون سازش فیرا مولی بستند، در همین اینکه در موضع بحق و معقول ایستادند.

همه اینها مروهون خلق قهرمان ما است که با بیداری و هشجاری و استواری، با ستانند و آگاهی انقلابی، دشمن اصلی واقعی، شیطان بزرگ آمریکا را می‌شناختند و برای ریشه‌کن ساختن تسلط و نفوذ او از همین انقلابی جانبا زانه بیکار می‌کنند.

همه اینها مروهون نیروهای آگاه انقلابی است که به پیروی از خط امام و با تکیه به نیسیسروی لایزال خلق، برای تحقق اهداف فدا می‌ریزاییستی و مردمی انقلاب مبارزه می‌کنند.

همه اینها از جمله مروهون اقدام انقلابی و جورانه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام است، که با عمل قهرمانانه، افشای سفاقت‌ها، آمریکا مشابه جاسوسخانه و مرکز جکروالی تعیین‌نیزوشت ایران و دستگیری جاسوسان، که از جمله جکروالیان و تمسک‌گیرندگان دربار، کشور ما مردم بودند، با تیشبانیی رهبر انقلاب تا قوس بر زمین مرحله دوم انقلاب را بعد از آن، رند، آنها عمیق ترین جنبه انقلاب ما را، که جنبه نبرد با طرا استقلال و علیه تسلط امپریالیستی در تمام ابعاد ن بودیای رز سطره و جنبه منجلی ساختند، تضا داملی جامعه ما را شکافتند و اثرادر معرض مشارکت آگاهانه توده‌های مردم قرار دادند، آنها میلیونها تن را بسازی دادند که در حل این تقاضا، جامعه ما نقش تاریخی و خویشت را ایفا کنند. بی‌پوده نیست و بیجا نیست که گمانی تسخیر جاسوسخانه و "گروگانگیری" را، در مقیاسی تمامی ۳-۴ هزار ساله تاریخ مبین ما، یکی از ۳-۴ رویداد سرنوشت‌ساز و کلیدی، که چرخ‌های عظیم در روند تاریخ ایران بوجود آورده، ارزیابی می‌کنند.

همه اینها حکایت از اهمیت بیکران "گروگانگیری" و در معنای اصلی آن، رابطه انقلاب ایران با امپریالیسم آمریکا می‌کنند. اگر این رابطه را تنها در "گروگانگیری" خلاصه کنیم و نبرد خود را با آمریکا

ملت‌ها را در گروگان بکنند و خفه‌کنند، و چون این چنین است، ما با آمریکا مبارزه می‌کنیم. این سخنان نشان از بزم سکولیت و شهیدان انقلابی است که به نیروی خلقی پیدا روهیرومان به جلومیرود خودمده، نبرد ما و صحنه هما رویدها را انتخاب می‌کنند و اینک سران دارنده در صحنه نبرد شرایط چهارگانه در کلیه موارد با تمام اجزای خود، آمریکا را تسلیم و شرایط را تحمیل کند، و گرنه با زهم آمریکا هست که مفتضح و سوسا می‌شود و دوگانه گبی و تاجا وزکا ریش بر ملا میگردند و گروگانها پیش همرا با تمام سیاست و گذشته تنگنوش، به محاکمه کشیده می‌شود.

به همین علت و با همین برداشت است که خلق بیدار و آگاه ما، در روز ۱۳ آبان ۵۹، بر تصمیم مجلس میراث‌گدینها دو یکدنا فریاد کرد:

"ای ملت ایران، برپا برپا، با مصلحتها بسوی آمریکا!"

ما با دشمن عمده انقلاب خود، خلق خود و همین خود، مبارزه‌ای طولانی در پیش داریم، تا آنکه این که به پیروزی قطعی و نهایی را بر او تحمیل کنیم و شکست ناپذیری خود را به او ثابت کنیم. ما بر توطئه خونی و تراجو صدمه‌محسن ما قنق خواهیم آموخت و تمام ما ندانند سایر نقشه‌های توطئه‌گرانه آمریکا در هم خواهیم شکست. ما با بیداری بسیج تمام نیروها و امکانات خود، با بهره‌گیری از تمام امکانات و مقدرات، که از نیروی خلق مردم راه حرکت و ادان و سیل بنیان کن فدا می‌ریزاییستی را تقویت بخشد، در همه جبهه‌نبرد، یعنی تحمیل شرایط چهارگانه و همانند سایر عرصه‌ها و بسپا متنوع و پیچید و روهیروالی با امپریالیسم آمریکا، بی‌روز شویم. همانگونه که حجت‌الاسلام موسوی خروینیها ۱۳ آبان ۵۹، در سالروز اقدام قهرمانانه و انقلابی گروگانگیری و تسخیر جاسوسخانه و فریاد روز تحمیل شرایط چهارگانه توسط مجامع شورای اسلامی گفت:

"تایید آن روز که شما مرکز بر آمریکا بیفتد و شما دیگری جای این شما را برکنند. بداند بداند که آمریکا خلق اصلی و شما راه یک ما است."

با آن خلق بیدار و آگاه ما، نبرد دویا این سیاست رهبری، انقلاب ما در رابطه خود با امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خویش، مسلما تعمیم خود می‌یابد، به پیش‌خود خویش و به پیروزی یا بهشتی - منجمله در عرصه شرایط چهارگانه - دست خواهد یافت و وظیفه ما است که در این جهت حرکت و عمل کنیم.

تنها در حفظ با مجازات ۵۲ نفر جاسوس بداندیم و در نتیجه تمام توطئه‌های آمریکا را کسک‌ها را بران برسر گروگانها به حساب آوریم، بشدهت اشتباه کرده‌ایم. ما نظور که آمریکا نه "گروگانها" بلکه ایران را می‌خواهد و دنیا را آزاد می‌کند، بلکه دنیا را سرکوب با مسخ و ناسودی انقلاب ایران است. ما نیز "گروگانها" را مظهری از سیادت نسو استعماری آمریکا و گروگانگیری را مرحله‌ای از نبرد اساسی و خلقی خود با امپریالیسم آمریکا میدانیم. نبردی که ابعاد و جنبه‌ها و وجوه و بیخما رادارد و ابدا و اصلا در منطقه جاسوسها خلاصه نمی‌شود. روند "آزادی گروگانها" با تحویل جاسوسها، با تحمیل این شرایط چهارگانه به دشمن، می‌خواهد دنیا را بد مرحله‌ای از آزادی از این نبرد آغاز کرد. با دشمن‌های عمیق تر و موشم‌تری از آنرا بسیر روی صحنه آورد، آنروزی بیشتر توده مردم بسیج کند و رهبری و تدبیر بیشتر زعمای کشور را طلب نماید. خلاصه به تعمیم انقلاب بسپا تمام وظیفه ما است که جلوی یا نیمه پراکنجی‌ها و طغیانات دشمنانه، فدا انقلاب و موامل لیبرال و سازشکار را، که به اقتضای موقع، نقاب "چپ‌نما" زده‌اند، بگیریم و توجه کنیم که شرایط چهارگانه موهبه مجلس شورای اسلامی برای انقلاب ما زمینه جدید و عمیق نبردی همه‌جانبه با امپریالیسم آمریکا را فراهم می‌آورد. آمریکا را با بدبیا مبارزه، با پای فشاری، با هشجاری، با سیاست درست، با اتحاد و یکار گرفتن همه امکانات، در برابر این شرایط و اداره به تسلیم کرد.

حجت‌الاسلام خا منهای ما بنده، امام دشورای عالی دفاع، امام جمعه، تهران و نماینده مجلس، گفت است:

"آیا کوشش برای حل مسئله گروگانها بسپه معنای تغییر مشی سیاست دولت جمهوری اسلامی و دستگاه اجرایی در مقابل با آمریکا است؟ جواب اینست: نه!"

این جواب قاطع، راه درست و برداشت درست را از شرایط پیشبندی نشان میدهد، با زهمم حجت‌الاسلام خا منهای ما بنده می‌دهد:

"ماندنیانه" این خط و حرکت را ادامه می‌دهیم ... با زهم با آمریکا می‌جنگیم و زیرا آمریکا ظالم و مستکبر و جها نخوار است، زیرا با اسلام و استقلال ملت ما و همه ملت‌ها می‌تسلف مخالف است، زیرا از نیروی مادی خود استفاده می‌کند تا فریاد حق طلبانه

آیت‌الله دکتر بهشتی:

امپریالیسم از دست زدن به هیچ جنایتی در راه رسیدن به مطامع خود ابا ندارد

● موضع گیری خصمانه امپریالیسم جهانی علیه انقلاب ما ریشه‌های عمیقی دارد

دکتر بهشتی رئیس دیوان عالی کشور در مساجد مطبوعاتی متکی خود که در بروجرد شد تاکید کرد که امپریالیسم از دست زدن به هیچ جنایتی در راه رسیدن به مطامع خود ابا ندارد.

در ابتدای مساجد دکتر بهشتی در پاسخ خبرنگاری که نظر وی را درباره سرنوشته جنگ پرسید گفت: بیشک ملت قهرمان و پایمان ما و مردم زیر سلطه و تحت فشار سرزمین عراق در این ماه با حمله و الاثری به بیروشان با رژیم بعث عراق ادامه خواهد داد و توانشان در بزای آوردن این رژیم تحمیلی افزونتر خواهد بود، امیدواریم این افزایش توانها آثار مشهود خوش را نشان دهد.

وی در پاسخ سئوالی درباره برابری همه افراد امر از مسئولین اسانی از جمهوری اسلامی ایران اینست که دستگاه قضائین دستگاهی باشد دقیق و مدافع حق، با نگرشی یکسان برای همه، بنظر من شرط اسانی رسیدن به این آرمان داشتن سیستم قضائی بیطرفانه است. امروز ما در راه رسیدن به این آرمان آشنای شدن و ست کردن همه مردم ما به یک چنین فرهنگ اجتماعی و قضائی است که همه بتوانند به آسانی و بدون این برخورد یکسان حقیرستانه را درک کنند و بپذیرند.

در پاسخ سئوال دیگری درباره سرنوشته گروگانها و محاکمه آنها دکتر بهشتی گفت:

تا ساله از نظر سیاسی دقیقا تکلیفی روشن نشود نمیتوان محاکمه‌ای را آغاز کرد. بنابراین لازمست مجلس در نتیجه توجیه کارهای خودش را به اطلاع شورای عالی قضائی برساند تا در صورتیکه راه حل پیشنهادی نمایندگان مردم برآستی به نظر رسیده باشد و مجلس مسموم باشد که آنها محاکمه شوند از نظر قضائی اقدام شود.

دکتر بهشتی در پاسخ سئوال دیگری مربوط به اقدامات استانی برای تعیین سرپرستهای جدید رادپو تلویزیون گفت: بهرحال لازم بوده است. یک مقام مسئول برای پایان دادن به بی‌سرمسامانیهای آنجا تصمیمی اتخاذ کند. اتخاذ چنین تصمیمی تا آنجائیکه به حفظ اموال و حقوق اشخاص مربوط می‌شود، در چنین حالتی، در صلاحیت داوران است. از آنجا که حفظ اموال و حقوق بدون تعیین مدیریت میسر نبوده دادستان به تعیین مدیر اقدام کرده است.

در پاسخ سئوال دیگری دربارگی پرسید آیا حل مسأله گروگانها در سرنوشته جنگ اثری خواهد داشت آیت‌الله بهشتی پاسخ داد: فکر نمی‌کنم اثر چندانی داشته باشد، برای اینکه موضوعی خصمانه امپریالیسم جهانی بر ضد انقلاب اسلامی ایران ریشه‌های عمیقی دارد. موفقیت این انقلاب بهرحال منافع آنها را در منطقه متزلزل می‌کند و معادلات سیاسی و اقتصادی را برهم می‌زند، طبیعی

خود ابا ندارد جنایتی در راه رسیدن به مطامع خود ابا ندارد

است که در این رابطه نه مستکبران آرام خواهند نشست و نه مستضعفان، خبرنگار دیگری پرسید آیا فکر نمی‌کنید امپریالیسم به بهانه افزایش قیمت نفت در این جنگ تحمیلی عراق به ایران به کشورها حمله کند؟ دکتر بهشتی پاسخ داد: امپریالیسم از دست زدن به هیچ جنایتی در راه رسیدن به مطامع خود ابا ندارد ولی صرفا افزایش بهای نفت بعید است انگیزه آنها برای جنایتی تازه شود.

خبرنگاری پرسید: دادستان تهران اعلام کرده که آقای قلینزاده تحت فشار لیبرالها آزاد شده است و همچنین آقای قدوسی در مساجد تلویزیونی خود گفته‌اند که شاید ما مجبوریم روی سائلی که نمی‌توانیم مطرح کنیم ایشان را خیلی زود هم آزاد کنیم. بیان این مطلب از جانب مقامات مسئول ضایع‌ای یا بگونه‌ای اعتراضیه خواهد بود. امور سیاسی در مسائل قضائی نیست؛ رئیس دیوان عالی کشور پاسخ داد: طبیعی است که با چنین اعتراضی است و از دید من غیر قابل قبول. زیرا آقای قلینزاده برای ادای توضیحاتی به دادستانی انقلاب تهران احضار شده بودند و پس از ادای توضیحات مقام قضائی باید تصمیم بگیرد که متهم را با ذکر دلیل آزاد کند. بدون گواهی یا تقبل یا احیاناً بازداشت کند و برای مردمین توضیح دهد. از نظر من نفس عمده‌ای که در جریان این بازداشت نگذاشته‌اند، من به آقای قدوسی می‌عرض کرده‌ام که اگر ایشان تشخیص داده‌اند که باید آقای قلینزاده بازداشت شوند، لازم بود همان روز جمعه جریان را با ذکر دلایل کافی اطلاع ملت می‌رسانند و بهرحال تصمیم‌گیری مقامات قضائی بر اساس فتاوا امری است نامتناهی با استقلال و امانی که باید در قضائی داشته باشد و استقامتی که باید قاضی در برابر جریانها از خود نشان دهد. گمان می‌کنم اگر مطلب همانطور باشد که می‌گوئید این گزاره اتهام‌نگری فوری به‌دین اطلاعات لازم به ملت قهرمان ایران است.

خبرنگار دیگری سئوال کرد: مسأله‌ای که اخیرا پیش آمده برای جریان دستگیری قلینزاده و تعیین سرپرست برای رادپو تلویزیون، آیا شما اصل آن به اصطلاح منظره‌ای که تشکیل شده خارج از یک جریان حساب شده در این شرایط جنگی برای انحراف انقلاب می‌دانید؟ آیا اینها یک برنامه حساب شده در رابطه با ستون پنجم نمی‌دانید؟ دکتر بهشتی در پاسخ گفت: ما همیشه باستاند مدارک موجود در رادپو تلویزیون گزارش کرده‌اند اینست که بعضی نواز این منظره در برنامه پیش‌بینی شده روز پنجشنبه بوده است. طبیعی است که بعضی آن مسئولان انگیز پیدا شده و برای من همین مسأله سؤال انگیز است...

دکتر بهشتی در پایان این مساجد و در پاسخ به سئوال در مورد وضع مردم در زمستان از نظر مواد غذایی و غیره اظهار داشت: مردم دنیا با چنین سختی‌هایی در جریان یکپارچه‌هایی که ملتها برای حفظ استقلال و آزمان خود تحمل می‌کنند، آشنایند. تاریخ نمونه‌های متعددی از این امر نشان داده است. در همین سی سال اخیر در اروپا این وضع برای ملتها آلمان، یوگوسلاوی، روسیه پیش آمد. آیا ملتهای زنده جز استقامت هرچه تمامتر در این راه، راه شرافتمندانه دیگری می‌توانند داشته باشند؟

رزمندگان انقلاب دلیرانه متجاوزین صدامی را زیر حمله خود گرفته‌اند

● جنایتکاران رژیم صدام حسین همچنان مناطق مسکونی آبادان را زیر آتش قرار می‌دهند

مردم غیور و از جان گذشته، پاسداران شجاع و شامه و نیرو- های مسلح جمهوری اسلامی ایران، همچنان دلیرانه با متجاوزین صدامی به نبرد ادامه می‌دهند. یک مقام در واحد اطلاعات و اخبار ستاد سپاه پاسداران اهواز در گفتگویی اظهار داشت در منطقه «دوبرخان» درائی اجرای دقیق آتش فرودانه‌های نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران تلفات و خسارات سنگینی به متجاوزان مزبور یعنی وارد آمد. طبق این اطلاع تلفات و خسارات وارده به نیروهای متجاوز دشمن، انهدام ۵ دستگاه تانک، ۳ دستگاه خودرو، یک دستگاه بربر و ۱۱ کشته زخمی بوده است. متجاوزین عراقی نیز متجاوز با وحشیگری شهر اهواز را با شلیک توپهای دوربرد خود زیر آتش قرار داده است.

به گزارش دفتر مرکزی خبر نیروهای متجاوز عراق زیر حمله شدید دلواران ایران با بجا گذاشتن عده زیادی کشته و زخمی در داخله‌های متبعضی از آبادان است. به موجب همین گزارش ستارها و مواضع قوای دشمن در اطراف رودخانه بهشتی تقریبا نابود شده است.

در محور جاده آبادان-ماهشیر نیروهای مزبور عراقی چندین کیلومتر با آبادان فاصله دارند و رزمندگان جمهوری اسلامی ایران آنها را زیر آتش شدید قرار می‌دهند. متجاوزان صدام سشش‌پوش (دوشش‌پوش) اطراف خسروآباد در بیست کیلومتری جنوب آبادان و کوی زوالفتاری و قبرستان نو این شهر را هدف آتش توپخانه دوربرد خود قرار دادند که در نتیجه ۶ تن از پرسنل رشید شهرداری آبادان کشته و مجروح شدند.

کارکنان و عزل و نصب آنان و اجرای بمباران‌های مرموز و تبه برنامه‌ها تا مدت‌ها بود در قرار گرفت، این ماه نیز مورد تصویب قرار گرفت. آنگاه ماده ۹ که به مسئولیت مدیرعامل در برابر شورای سرپرستی و مسئولیت شورای سرپرستی در برابر شورای سرپرستی و برای قوای سه‌گانه اختصاص دارد، مطرح شد.

ماده ۹ پس از آنکه تغییر که به دنبال بحث نمایندگان در آن داده شده، به تصویب رسیده، ماده ۱۰ اختصاص به مسئولیت شورای سرپرستی در برابر مجلس و حق استیضاح آنان توسط مجلس داشت. این ماده نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفت. رای گیری در مورد این ماده به جلسه امروز موقوف شد.

رئیس مجلس در پایان جلسه دیروز اعلام کرد که محمدعلی رجائی نخست‌وزیر در جلسه امروز مجلس به چند سئوال نمایندگان پاسخ خواهد داد و وزیر جدید آموزش را، پرویز، دکتر جواد پاشا را، یحیی را، به مجلس معرفی خواهد کرد.

در جلسه علنی دیروز مجلس:

امپریالیسم امریکا وارث همه جباران تاریخ است

● آمریکا می‌خواهد مسئله تروکانها را موق بگذارد

آن جباران در برابر دارد، وی همچنین افزود: آمریکا می‌خواهد ما را دست‌بندناز و مسئله گروگانها را موق بگذارد تا برای محاسرات اقتصادی و فرهنگی زدن به جمهوری اسلامی ما، بهانه‌ای داشته باشد، اما ما در این نبرد ایستاده‌ایم. او می‌خواهد سلاح آمریکایی‌ها را به ما بفروشد تا در وضعیت اقتصادی‌اش راتا جدی ترمیم کند، ولی ما با جانتان می‌جنگیم و با جانتان نالو افزود: ما اعلام می‌داریم که خصومت ما علیه آمریکا هیچکس است، همچنانکه نور با ظلمت همواره می‌جنگد.

پس از پایان سخنان پیش‌از دستور، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی ضمن سخنانی اظهار داشت:

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی تاملتین پیش از دستور به امپریالیسم آمریکا حمله کردند و خواستار وحدت اجتماعی در دوران جنگ شدند. در آغاز این جلسه که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، ابتدا رضائی به عنوان اولین ناطق پیش از دستور در رابطه با وحدت اجتماعی وی دوران جنگ سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت: دشمن خارجی همواره در تمامی جنگها سبب شده که نیروهای داخلی کنار هم بایند و با هم متحد شوند. ما این مورد را در دوران نودها و کسانی که شهید داده‌اند می‌بینیم، ولی در دوام‌وران خیر، یکی از مواردی که می‌توان با برین از آن از تفرقه جلوگیری کرد افراط و تفریط است. ناطق سپس به ضرورت اجرای قانون اساسی اشاره و سپس تاکید کرد که نمایندگان مجلس نباید چند شغله باشند.

دومین سخنران پیش از دستور فخرالدین حجازی بود که به شدت به آمریکا حمله کرد و امریالیسم آمریکا را وارث جباران تاریخ خواند که سرنوشته شوم از

گروه بزرگی از مردم از عراق به دبره داشتن متشاه ایرانی، که هر بار بعنوان فشار بر ایران مورد استفاده رژیم ناپساک و ستسگر صدام قرار گرفته، و با مسئله بمباران اسیران جنگ غیره، که باید حل شوند، مجموعه این مسائل میبایستی مورد مذاکره قرار بگیرند و عادلانه بر مبنای حقوق موازین بین‌المللی، یکپارچگی همیشه حل شوند و اجرای تطبیق حاصله از مذاکرات تضمین گردد.

فلا دارو هسته صدام، ضمن گرفتن قیافه مسلح‌طلب، به جنگ چنایکارانه خود علیه خلق و کشور ما ادامه میدهد و بنابراین وظیفه عده ما، در کنار گروشی سیاسی برای راندن سپاه به درون مرزهای خودی، راندن آن با فشار کوبنده نظامی است. از گفته‌های فرمانده گل نیرو- های مسلح، دبیر شورای عالی دفاع و دیگر مقامات مسئول چنین برمی‌آید که این فشار کوبنده نظامی روز بروز بیشتر میشود و زمینه شکست قطعی دشمن متجاوز فراهم میگردد.

باید اطمینان داشت که نیرو- های مسلح نظامی و غیر نظامی و خلق قهرمان، فدakar و ایثارگر ما، در این جنگ عادلانه، پسر اوتس متجاوز رژیم تجاوزگر صدام قلمبا بیروز خواهد شد و عراق به نایب اجرای حل مسائل مورد نیاز از جمهوری اسلامی ایران، خواه ناخواه در پشت نیز مذاکرات خواهد نشست.

ارتش متجاوز...
بقیه از صفحه ۱
صدام باید به درون مرزهای عراق باز گردد و آنگاه مذاکره بر سر قبول و اجرای قرارداد انجام گیرد. «قبول و اجرای قرارداد یک طرفه نیست، اگر یکطرفه بوده، دیگر مسأله ندارد. پس مذاکره لازم است تا مسئله قرارداد قبول و اجرای آن بنحو سرسری‌الترین حل شود. علاوه بر این عراق باید «قبول و اجرای قرارداد» چیران خسارات ایران وارد آمده، برعهده گیرد. اگر قبل از تجاوز نظامی رژیم صدام به ایران «قبول و اجرای قرارداد ۱۹۷۵» می‌توانست مورد مذاکره قرار گیرد، اکنون دیگر مسئله منحصر به این دعوی نیست. رژیم صدام با تجاوز نظامی خسارات مالی عظیم و تلفات جانی بزرگی به جمهوری اسلامی ایران وارد آورده است، که بعنوان متجاوز باید جبران کند.

بعلاوه عراق باید شمشه‌شود که دیگر مانند گذشته در امور داخلی جمهوری اسلامی ایران مداخله نخواهد کرد، به ضد انقلاب در کردستان و در هیچ جای دیگر ایران کمک نخواهد کرد و نیز به ضد انقلاب گریخته از ایران، در خاک عراق میدان فعالیت نخواهد داد. مسائل نیز حس تاثیر مسئله آزار ایرانیان مقیم عراق و راندن غیرانسانی

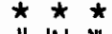
لیبرالیسم را بشناسیم، و در دامش نیفتیم

لیبرالیسم، گرچه از لحاظ لغوی از واژه «لیبر» (آزاد) و «لیبرته» (آزادی) مشتق گشته است، ولی دو دوران کنونی رشد جامعه بشری، یک جریان ایدئولوژیک و سیاسی است، که میکوشد میان انقلاب و ضدانقلاب پیوند ضدانقلاب سازش ایجاد کند و انقلاب را به شکست و ناگامی بکشاند.

لیبرالیسم همیشه منسوب به طبقات ضدانقلابی هستند که انقلاب لزوم الهی آنها را بمناسبت طبقه مطرح کرده است. منسوبان به این طبقات معمولاً بدو قسمت مجزا میشوند: قسمتی بطور صریح و بی‌پرده مواضع ضدانقلابی طبقه محکوم به فتنای خود را اعلام می‌کنند، و علیه انقلاب در جبهه‌ای آشکار به مقابله می‌پردازند، که اینها لیبرال نیستند، ضدانقلاب آشکارند. ولی قسمت دیگر منسوبان به این طبقات که چهره لیبرال بخود میگیرند، یا قصد محدود ساختن انقلاب در چارچوب انقلاب این طبقات و منحرف کردن انقلاب از راه خود و کشاندن انقلاب به قهقرا، داخل صفوف انقلاب میشوند، یا در کنار صفوف انقلاب سینه زنی می‌کنند. هم ضدانقلابی‌ها، که بی‌پرده و از خارج به مقابله علیه انقلاب بر می‌خیزند و هم لیبرال‌ها که نقاب «انقلابی» بر روی خود می‌زنند، و میکوشند با رخنه در داخل صفوف انقلاب و به‌تفکیق آنگین به قهقرا، و مسخ انقلاب از داخل، کار انقلاب را به ناگامی برسانند، علیرغم فرق ظاهری، هر دو یک هدف مشترک را تعقیب می‌کنند: یکی فتنک در دست در سنگر نشسته و علیه انقلاب می‌جنگد و دیگری بمشابه ستون پنجم وی در داخل صفوف انقلاب عمل می‌کند. لذا اگر بگوییم لیبرالیسم ضدانقلابی است که بمنظور بریدن سر انقلاب یا تمهید لایس «انقلابی» بتن کرده‌اند و یا اگر لیبرال‌ها را ستون پنجم ضدانقلاب در داخل انقلاب و یا در همسایگی آن بنامیم، حرفی خلاف علم و خلاقیت نگفته‌ایم.

اکثر پرچمداران سیاسی لیبرالیسم معمولاً کسانی هستند که خود از میان طبقات محکوم بزوال برخاسته‌اند، ولی در جنبش‌های انقلابی یا شمارهای خود شرکت کرده‌اند. لکن بعداً، هنگامیکه شدت و حدت تضادهای اجتماعی، شمارهای نیمه‌کاره سازشکارانه آنها را پس‌زده و شمارهای عمیقاً انقلابی و بی‌گنبد را در داخل جنبش مطرح کرده، اینان اکثراً با گمراهی و گاهی به‌طریق خطر این شمارها را گردن نهاده‌اند و از جنبش جدا شده‌اند - البته، نه بمنظور دست کشیدن از شمارهای خود، بلکه بایستد اینکه در مراحل بعدی بتوانند در داخل جنبش شمارهای اولیه خود را بر جنبش تحویل بدهند و انقلاب را در مسیری که خود میخواهند بسوی قهقرا و شکست سوق دهند. لیبرالیسم، بدلی که اشاره شده، معمولاً از امکانات فعالیت فراوانی برخوردارند. اگر انقلاب علیه اقتدار اقتصادی و اجتماعی طبقات اجتماعی محکوم بزوال یا تقابلی عمل نکند و از این طریق پایگاه اجتماعی لیبرالی را دردم نکوبد، لیبرالیسم با استفاده از امکانات وسیع همین

طبقات، می‌تواند در دستگامی و نهادهای حکومتی بعد از انقلاب رسوخ‌کنند و حتی مواضع بسیار حساس حکومت انقلابی را بدست خود بگیرند و برای اجرای سیاست‌های همان طبقات ارتجاعی محکوم بزوال از این دستگامی و نهادهای حد اکثر استفاده را ببرند. یکی از عمده‌ترین سلاحهای این لیبرالیسم، سرمایه دنیای آن علیه انقلاب استفاده کرده‌اند، سلاح «مردم‌داری» آزادی بوده‌است. طبقه مرتجع محکوم بزوال، که قبل از پیروزی انقلاب، توسط حکومت خود، دیکتاتوری خود را مستقر کرده و هرگونه آزادی را خفه کرده بود، پس از پیروزی انقلاب، توسط ستون پنجم خود، یعنی لیبرالیسم، علیه انقلاب تسمار «آزادی» را مطرح می‌کنند، البته، آزادی نه برای انقلاب و نیروهای انقلابی - زیرا که اینان انقلاب کرده‌اند و دیکتاتوری طبقات مرتجع محکوم به زوال را سرنگون کرده‌اند و برای خود آزادی کسب‌نموده‌اند. آزادی نه برای خلق - زیرا که اینان در سایه انقلاب از اسارت دیکتاتوری طبقات مرتجع محکوم بزوال نجات یافته‌اند، و آزادی خود را بدست آورده‌اند، آن «آزادی» که لیبرالیسم پس از پیروزی انقلاب و سرنگونی دیکتاتوری طبقات مرتجع محکوم بزوال مطرح می‌کنند، آزادی برای همین طبقات و نمایندگانش و حامیان آنهاست، که انقلاب دست و پای آنها را بسته است. تاریخ فریادها را از فقدان آزادی، پس از پیروزی انقلاب، از آنجا بلند است که آنها می‌طلبند که برای استمرار مجدد حاکمیت طبقات مرتجع محکوم بزوال، به آنها امکان هرگونه فعالیت داده‌شود و حتی حکومت انقلابی مطابق رهنمودهای آنان رفتار کند.



تمام آنچه را که در بالا درباره لیبرالیسم و لیبرالی‌ها بطور کلی گفتیم، لایس است که تمام و کمال به‌فقد لیبرالی‌ها ایران دوخته‌شده، و اما در ایران دعوی اصلی و واقعی بر سر راه رشد آینده ایران و سیر تکاملی انقلاب ایران است. مردم ما با انقلاب شکوهمند خود راه رشد سرمایه‌داری را رد کرده‌اند، ولی لیبرالی‌ها که نمایندگانش سرمایه‌داری هستند، با چنگ و دندان از راه رشد سرمایه‌داری دفاع میکنند. تاریخ کشور ما راه رشد سرمایه‌داری را محکوم کرده و مردم ما میگویند: باید از راه رشد غیرسرمایه‌داری رفت و طریق استقلال و آزادی واقعی را در پیش گرفت. ولی لیبرالی‌ها گامی به‌سراحت و گامی بی‌زبان می‌نهند؛ ۱- باید راه رشد سرمایه‌داری را ادامه داد و ۲- باید به همکاری سرمایه‌داری جهانی - با تعدیلاتی - ادامه داد. چرا راه رشد سرمایه‌داری - پیشبندی لیبرالی‌ها - مخالف مصالح ایرانست؟ زیرا، کشوری که از راه رشد سرمایه‌داری پرورد، حتماً و در ورای اراده خود و طبق قوانین اجتناب‌ناپذیر شیوه تولید سرمایه‌داری

داخل سیستم تقسیم کار بین‌المللی سرمایه‌داری خواهد شد و به وابستگی کشورهای بزرگ آمریالیستی و در نوبت اول آمریکا درخواهد آمد. این وابستگی بتدریج بدرجه یک هم‌پوندی عمیق و همه‌جانبه با آمریالیسم درخواهد آمد و این کشور چون مگس عاجز در تار عنکبوت خون‌آشام انحصارهای آمریالیستی گرفتار خواهد شد. یعنی ایران انقلابی ما، اگر از راه رشد سرمایه‌داری برود، باز بنام آمریالیسم و سرمایه‌داران «وطنی» وابسته با آمریالیسم خواهد افتاد و بساط آزادی‌های با رنگ و روغن دیگری باز دیگر در کشور ما گسترده خواهد شد. یعنی خون ۷۰ هزار شهید پدید خواهد رفت و همه رسته‌ها بنده خواهد شد. یعنی ایران بازم به‌صورت یک مشت کاختنشین و سیلونی‌ها محروم کورخ‌نشین باقی خواهد ماند.

اگر یک چنین راه رشد نیک‌بازی، یعنی راه رشد سرمایه‌داری (که خود بخود وابسته با آمریالیسم خواهد بود) بر کشور ما تحمیل شود، بدینک سبب، اکثر لیبرالی‌ها بتوانند یک‌چنین راه رشدی را بر کشور ما تحمیل کنند، اما با به‌تفکیق خواهد رفت و سنخ و نابود خواهد گشت.

تاریخ ایران (و همچنین دیگر کشورها) نمونه‌های فراوانی از مسخ انقلاب بدست لیبرالی‌ها را بیاد دارد. انقلاب مشروطه را مردم انقلابی ضدستعمار و ضدزورم استبدادی آغاز گیکخته قودالیسم قاجاری آغاز کردند و باوچ بردند. ولی پس از مدتی بتدریج اشرف و قودالی‌های لیبرال مواضع کلیدی حاکمیت در نظام مشروطه را بدست گرفتند و رژیم مشروطیت را، که اصولاً می‌بایست قودالیسم استبداد و استثمار و ارضیه‌کن سازد، در دست خود قبضه نمودند. این لیبرالی‌های قودالی و اشرف، برای رهایی ایران از اسارت آمریکا، این نه‌تنها قدمی برداشته‌اند، بلکه راه را برای پیدایش استبداد منقور پهلوی بدست استعمار انگلیس باز کردند.

باز دیگر در دوران ملی‌شدن صنعت نفت - و این‌بار بورژوازی لیبرال ایران - گرچه در حکومت شرکت داشت، ولی از قس انقلاب خلق، در برابر کودتای تنگین شاه - آمریکا سکوت کرد و بموضع سرکوب کودتاکران، راه را برای سرکوب قیام خلق انقلابی ضد کودتا هموار کرد.

و اکنون... پس از اینهمه آزموئهای تاریخی و درحالیکه یک بیرونده حقدامنی از سیاست‌های سازشکارانه و تسلیم‌طلبانه لیبرالی‌ها گذشته‌ایران موجوداست، اگر مردم انقلابی و مسئولان و نهادهای جمهوری اسلامی ایران تمیزی خود را از دست بدهند و در تار عنکبوت کودتاکران گرفتار شوند، تاریخ آنها را نخواهد بخشید. اینکه لیبرالی‌ها از همان نخستین ماه‌های پس از انقلاب زیر فشار انقلاب فریاد کشیدند که: سه‌سهار، نهار غلط کردیم، اگر انقلاب کردیم، اینکه بدون اطلاع امام خمینی به ملاقات برژنفسکر رفتند، اینکه کوشیدند و میکوشند ایران را با آمریکا «آشتی» دهند، اینکه سرسودای زیادی درباره «غیرمسئول بودن» قلع نیاز ایران به تکنولوژی آمریکا و کشورهای آمریالیستی دیگر برای انداخته‌شده، کوشش برای نگامداری دستگامی و گامداری دوران طاغوت و ادامه شیوه کشورداری استورنی که در زمان طاغوت معمول بوده ایجاد بیکاری و تورم و بصرتی و کج‌رویی و... مقاومت شدید در مقابل اجرای قانون اصلاحات ارضی بسود دهقانان، مقاومت در برابر ملی کردن بازرگانی خارجی و توزیع عمده درداخل کشور، مقاومت علیه توسعه بخش دولتی، کوشش برای وابستراساختن مالکیت دولتی و مالکیت تمامی - خلاصه، تمام آنچه که در زمینه حفظ سرمایه‌داری در ایران بعمل می‌آید، مظاهر سیاست‌ها، خواستها و نظرات بورژوازی لیبرال ایرانست.

جنبت دیگر فعالیت لیبرالی‌ها مبارقت از کوشش برای وابستار ساختن از راه رشد دیگری که خلق خواهان است، یعنی راه‌رشد خلقی، راه رشد بسود کورخ‌نشینان.

از لحاظ اقتصادی، «تورم‌سین‌های» لیبرال، خواه بصورت ترشحات منخ خود و خواه بصورت ترچه از نشريات آمریالیستی، همواره راه رشد غیرسرمایه‌داری و اصول اقتصادی جهان غیرسرمایه‌داری را زیر آتش قرار میدهند. چه انسانها که در این زمینه نمی‌فانند و چه «آماره‌ها و اطلاعات» و مطالب «بسیار بسیار دقیق» که از خود چل نمی‌کنند، آنها در وجود کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی، که تکیه‌گاه مطمئن متحد قابل اعتماد جنبش‌های سوسیالیستی بخش خلقی‌های سیر جهانند، یک دشمن موهم برای ایران انقلابی می‌تواند و واقعیت انسانی و انقلابی جهان سوسیالیسم را وارودن جلوه میدهند و تاریخ انقلابهای گذشته را بسود آمریالیسم و بورژوازی ایران تعریف می‌کنند.

بخت ما با لیبرالی‌ها، دعوی شخصی نیست، بلکه صحبت بر سر استقلال و آزادی و ترقی ایران، بر سر سرنوشت مردم و انقلاب ایرانست. درحالیکه برای‌المن مشاهده می‌کنیم که عده‌های یازمی - کورشد دست و پای این انقلاب را هم به‌بندند و از برنگاه ناگامی سرنگونش سازند، نمی‌توانیم ساکت بنشینیم، ما با تکیه به مشی‌اصولی و انقلابی‌خود، برعکس هرگونه برخورد شخصی و ذهنی سیاست بورژوازی لیبرال ایران را افشا خواهیم کرد و چاه لیبرالیسم برافشان خواهیم داد، تا کسانی که صداتی دارند از اتاندر در آن حذر کنند و اگر هم اتاندر، تقسیم عواقب آن بگردن خودشان باشد. مردم ایران تقسیم گرفته‌اند که این انقلاب حتماً به پیروزی قلعی و نهایی دست یابد.

ماژور مشترک نظامی آمریکا و مصر توطئه‌های دیگر علیه خلقهای منطقه

در پی گسترش هرچه بیشتر همکاری نظامی رژیم خائن مصر با آمریالیسم آمریکا، دست پیشترپارول سپاه واکنش سریع آمریکا، برای مانور در صحرای مصر و آشنا شدن به نحوه چنگ دوسرگرم‌های خاورمیانه، وارد مصر شد. قرار است ۱۴۰۰ نفر از افراد سپاه واکنش سریع آمریکا ۱۲ تا ۱۴ روز در نواحی شین‌زار مصر همراه با سربازان مصری یک رشته مانورهای مشترک انجام دهند.

انجام مانور از سوی سپاه واکنش سریع آمریکا در مصر، پیش در نزدیکی کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه و در مجامع تجاوز خانانه رژیم جنایتکار صدام حسین به ایران، تکراری خلقهای منطقه را برانگیخته است. بویژه آنکه این اقدام تحریک‌آمیز چه بی استمرار هوایی‌های آوارگ در عربستان سعودی صورت می‌گیرد.

فعالیت‌های جاسوسی «انستیتیوی ژپان» آمریکا در ونزوئلا مردم ونزوئلا شدیداً به فعالیت باصطلاح انستیتیوی آموزشگاه تابستانی زبان آمریکا در ونزوئلا اشرامی دارند. این آموزشگاه، که نقاب یک سازمان مذهبی و خیریه را بر چهره زده است، درواقع به جمع‌آوری اطلاعات درباره مناطق مختلف ونزوئلا، که از لحاظ مواد معنی فنی است، مشغول است. سخنرانان در کفرانس بومیان در تروتن، نشان دادند که باصطلاح کارشناسان و زبان‌شناسان این موسسه به‌فعالیت‌های جاسوسی اشتغال دارند. بومیان درخواست کرده‌اند که اعضای این موسسه بیدرتک از کشور اخراج شوند. جنبش دفاع از شرف ملی به دانستان کل توصیه کرده است که فوالیت‌های این باصطلاح موسسه را مورد بررسی کامل قرار دهد.

نامه هفت روزگانه مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم)
هفت روزگانه انتخابی نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM
No. 370
13 November 1980

Prices:

West-Germany	0.80 DM
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند.
صندوق پستی ۴۴ پستی تهران